

تأثیر جغرافیای بطایح بر روابط خصمانه آل بویه با شاهینیان

سمیه بیاتی^۱

چکیده

بطایح سرزمینی باتلاقی بین بصره و واسط در جنوب عراق، در مصب رود دجله است که حکومت محلی شاهینیان توسط عمران بن شاهین به سال ۳۳۸ هجری، در آن منطقه تشکیل شد. با اعلام استقلال شاهینیان در بطایح درگیری بین آنها و آل بویه مستقر در عراق آغاز شد. این درگیری‌ها از دوره معزالدوله شروع شد و تا دوره عضدالدوله ادامه یافت. پژوهش حاضر بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع تاریخی و جغرافیایی دست اول، درصدد بررسی مؤلفه‌های جغرافیای بطایح است که منجر به ایجاد روابط خصمانه بین آل بویه و شاهینیان شده‌بود. مسئله اصلی پژوهش این است که ویژگی‌های جغرافیایی بطایح چه نقشی در شکل‌گیری روابط خصمانه بین آل بویه و شاهینیان داشته است؟ دستاوردهای پژوهش حاکی از آن است که عامل اصلی در شکل‌دهی این روابط، موقعیت جغرافیایی و پدیده‌های طبیعی بطایح بود. پدیده‌های طبیعی چون باتلاق‌ها و نزارها سبب شده‌بود بطایح به یک پناهگاه طبیعی مناسب برای شورشیان علیه خلافت عباسی و حکومت آل بویه و به یک منطقه جرم‌خیز تبدیل شود. این وضعیت برقراری ارتباط بین شهرهای جنوبی عراق را آشفته کرده بود. افزون بر این بطایح از لحاظ اقتصادی منطقه‌ای بسیار حاصلخیز و ثروتمند به شمار می‌رفت از این رو تسلط بر آن برای آل بویه از اهمیت بسیاری برخوردار بود.

کلیدواژه‌ها: آل بویه، بصره، بطایح، شاهینیان، واسط.

۱. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه شیراز. bayatisomaye@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۰۷

درآمد

آل بویه عراق آغاز شکل‌گیری شاهینیان بطایح نسبت به آنها سیاست خصمانه در پیش گرفتند. پس از اعلام استقلال عمران بن شاهین (حک. ۳۶۹-۳۳۸) از بغداد، کشمکش بین معزالدوله (حک. ۳۵۶-۳۳۴) و شاهینیان آغاز شد و تا پایان حیات شاهینیان ادامه داشت. تنها در دوره کوتاهی که عزالدوله بختیار (حک. ۳۶۷-۳۵۶) درگیر مشکلات داخلی بود، روابط این دو قدرت به حالتی دوستانه درآمد. زیرا بختیار که از یک سو با شورش ترکان و از سوی دیگر با حمله عضدالدوله (حک. ۳۷۲-۳۶۷) به بغداد مواجه شده بود، از عمران بن شاهین درخواست کمک و یاری کرد. معزالدوله عضدالدوله هیچ‌کدام در مواجهه با شاهینیان توفیقی به دست نیاوردند تا اینکه در نهایت شاهینیان در سال ۳۷۳ هجری، بر اثر اختلافات خانوادگی منقرض شدند.

پژوهش پیش‌رو سعی در پاسخگویی به این سؤالات دارد که چرا آل بویه نسبت به خاندان شاهینی بطایح سیاستی خصمانه را در پیش گرفتند؟ ویژگی‌های جغرافیایی بطایح چه نقشی در شکل‌گیری این سیاست خصمانه داشت؟

به نظر می‌رسد موقعیت جغرافیایی و پدیده‌های طبیعی بطایح که از لحاظ سیاسی و اقتصادی برای حکومت مرکزی بغداد حائز اهمیت فراوان بود، عامل اصلی پیدایش سیاست خصمانه خاندان بویه نسبت به حاکمان شاهینی بطایح بود. دسترسی به بطایح به سبب وجود پدیده‌های طبیعی چون باتلاق‌ها و بیشه‌زارها دشوار بود؛ از این‌رو بطایح برای مخالفین و معترضین حکومت مرکزی، پناهگاه و دژ طبیعی مناسبی بود؛ چنانکه عمران بن شاهین به دلیل ترس از تعقیب دولت به آنجا پناه برد و بنا به گفته ابن مسکویه جماعتی از دزدان و راهزنان به او پیوسته بودند. در واقع بطایح به سبب موقعیت جغرافیایی خود به یک هسته و قطب عمده سیاسی در قلب قلمرو خاندان بویه تبدیل شده بود و با استقلال شاهینیان در مرکز حکومتی آل بویه، تلاش آنان برای ایجاد حکومتی متحد و یکپارچه بدون نتیجه می‌ماند. استقلال شاهینیان در قلب قلمرو خلافت اسلامی در برقراری ارتباط و اتصال بین شهرهای جنوبی عراق چون بغداد، بصره و واسط و همچنین در انجام امور بازرگانی آن نواحی اختلال ایجاد می‌کرد. در

حالی که در دوره معزالدوله، بزرگان دولتی در انجام معاملات با بصره و اهواز از مسیر بطایح بی‌نیاز نبودند. از لحاظ اقتصادی نیز بطایح برای حکومت مرکزی بغداد و امرای بویهی حائز اهمیت بسیار بود و نقش تعیین‌کننده‌ای در حل مشکلات مالی حکومت داشت؛ برای نمونه عزالدوله که با مشکلات مالی مواجه بود به منظور دستیابی به دارایی و ثروت شاهینیان به بطایح حمله کرده بود.

پیشینه پژوهش

درباره شاهینیان مقالات متعددی نوشته شده‌است. در مقاله «شاهینیان بطایح» به قلم ساسان طهماسبی (۱۳۸۴ش)، موقعیت جغرافیایی بطایح، چگونگی شکل‌گیری آن، روی کار آمدن شاهینیان، روابط آنان با خاندان بویه و سپس زوال این سلسله بررسی شده‌است. در مقاله «دراسة عن جغرافیه و سكان منطقه البطحه جنوب العراق» نوشته عزالدین صادق و محمد مطر (۲۰۱۵م)، مباحثی از بطایح چون موقعیت جغرافیایی آن، آب و هوا، رودها، شهرها و روستاها، ساکنان، اقتصاد و شکل‌گیری منطقه بطایح بررسی شده‌اند. در این نوشتار سعی شده‌است تأثیر جغرافیای بطایح به‌ویژه موقعیت جغرافیایی و پدیده‌های طبیعی این سرزمین در برقراری روابط خصمانه آل بویه و شاهینیان بررسی شود.

شاهینیان (حک. ۳۷۳-۳۳۸)

هم‌زمان با روی کار آمدن خاندان بویه در عراق و شکل‌گیری شاخه آل بویه بغداد، سلسله شاهینیان در سال ۳۳۸ هجری در بطایح و نواحی باتلاقی جنوب عراق شکل گرفت. عمران بن شاهین مؤسس سلسله شاهینیان از بومی‌های بطایح و از مردم جامده بود که با استفاده از عدم نفوذ آل بویه در این نواحی فرصت را غنیمت شمرد و دولت شاهینیان را بنا نهاد. ابن مسکویه می‌نویسد که ابن شاهین بر اثر ارتکاب جنایت و از بیم دولت مرکزی بغداد به نواحی باتلاقی بطایح پناه برده بود (مسکویه، ۱۵۷/۶). ابن شاهین گویا در جمع‌آوری مالیات بطایح دخالت داشته و موفق شده‌بود از این طریق مال و ثروت عظیمی به دست آورد (ابن خلدون، ۷۳۷/۳).

عمران بن شاهین در بطایح در بین باتلاق‌ها و مرداب‌ها مخفی شد و از طریق



ماهی‌گیری و شکار مرغ، گذران زندگی کرد. او سپس به راهزنی در این سرزمین پرداخت. با گذر زمان کم کم صیادان و عده‌ای از راهزنان و دزدان به دور او جمع شدند. گروه ابن شاهین چندان نیرومند شده بود که در برابر سلطان بغداد نیز مقاومت کرده بود. با این همه ابن شاهین از ترس تعقیب دولت بویهی به بریدیان پناه برد و از ابوالقاسم بریدی یاری خواست. ابوالقاسم نیز راهداری و مسئولیت برقراری امنیت شهر جامده و مرداب‌های بطایح را به او سپرد (ابن مسکویه، ۱۵۷/۶). در نتیجه عمران بن شاهین بر بطایح مسلط شد و تا سال ۳۶۹ هجری (ابن اثیر، ۱۱۶/۲۱؛ زرکلی، ۷۰/۵) با اقتدار و مستقل از حکومت مرکزی بغداد بر آن منطقه فرمانروایی کرد.

پس از مرگ عمران بن شاهین، پسرش حسن (حک. ۳۷۲-۳۶۹) به امارت و فرمانروایی بطایح رسید. حسن سیاست پدر را ادامه داد و روابطی خصمانه با خاندان بویه عراق برقرار کرد. او سرانجام در سال ۳۷۲ هجری توسط برادرش ابوالفرج محمد کشته شد. ابوالفرج (حک. ۳۷۳-۳۷۲) با اظهار اطاعت از صمصام‌الدوله (حک. ۳۷۶-۳۷۲) جانشینی برادرش را درخواست کرد. امیر بویهی درخواست ابوالفرج را پذیرفت و منشور بطایح را برای او فرستاد (ابن اثیر، ۱۴۴/۲۱؛ ابن خلدون، ۷۳۹/۳). با مرگ ابوالفرج در سال ۳۷۳ هجری، ابوالمعالی حسن به حاکمیت بطایح رسید اما مظفر بن علی حاجب که از فرماندهان لشکری ابوالمعالی بود نامه‌ای از زبان صمصام‌الدوله جعل کرد که متضمن واگذاری بطایح به خودش بود. در نتیجه با این اقدام مظفر، مبنی بر جعل نامه و در اختیار گرفتن بطایح، شاهینیان از بین رفتند (ابن اثیر، ۱۵۱/۲۱-۱۵۰).

حاکمان شاهینی بطایح

عمران بن شاهین	۳۶۹-۳۳۸ هجری
حسن بن عمران	۳۷۲-۳۶۹ هجری
ابوالفرج محمد بن عمران	۳۷۳-۳۷۲ هجری
ابوالمعالی حسن	۳۷۳ هجری

دستور داد تا با عمران بن شاهین آشتی کنند و او را که در محاصره سپاهیان معزالدوله بود، رها کنند (همان، ۲۸۵/۶). عزالدوله که در طول حکومت خود با خزانه خالی مواجه بود و چشم طمع به ثروت بطایح داشت، سرانجام سیاست خصمانه معزالدوله را ادامه داد و در سال ۳۶۰ هجری جنگ با شاهینیان را از سر گرفت. در طول دوران حکومتی عزالدوله بختیار تنها همین نبرد بین خاندان بویه و شاهینیان صورت گرفت که آن نبرد نیز با شکست آل بویه همراه بود (مسکویه، ۵۹/۶-۳۵۷؛ ابن اثیر، ۲۱/۲۱).

زمانی که بختیار در سال ۳۶۳ هجری با شورش ترکان مواجه شده بود، همان گونه که از ابوتغلب حمدانی (حک. ۳۶۹-۳۵۳) درخواست کمک کرده بود، بر آن شد تا به ابن شاهین نیز درخواست کمک دهد. از این رو همراه با خلعت و اسبی زرین، فرمانی مبنی بر صلح و خواستگاری یکی از دختران عمران برایش فرستاد و خواهش کرد که لشکری به کمک او در جنگ با ترکان فرستاده شود. اما عمران با مشاهده ضعف و ناتوانی عزالدوله به درخواست او توجهی نکرد و جواب رد داد (مسکویه، ۳۹۳/۶).

عزالدوله بختیار که در جلب حمایت عمران بن شاهین برای مقابله با شورش ترکان به نتیجه نرسیده بود، مجدداً به منظور مقابله با عضدالدوله، از او درخواست کمک کرد. این بار درخواست عزالدوله پذیرفته شد و بین او و عمران ابن شاهین در سال ۳۶۵ هجری پیوند خانوادگی نیز بسته شد. در پی این تصمیم، متحدان نام عضدالدوله را در بغداد و دیگر منبرهای عراق از خطبه انداختند (همان، ۴۳۲/۶). عمران بن شاهین نیز در اقدامی دیگر چند کشتی پر از پوشاک، وسایل و نقدینه را برای پیشکش به سوی بختیار فرستاد (همان، ۴۳۶/۶).

با ورود عضدالدوله به بغداد، عزالدوله بختیار به سوی بطایح رفت. عمران بن شاهین با سپاه و ساز و برگ جنگی به پیشواز او آمد، دست بختیار را بوسید و مال و سلاح و اشیاء گرانقدر تقدیم او کرد (همان، ۴۳۹/۶). اما با گذشت مدت زمانی از مرگ عزالدوله بختیار، عمران بن شاهین که درصدد بود از عضدالدوله تعهدی داشته باشد، دبیر خود را به بغداد فرستاد و خواستار فرمان و پیمان نامه شد (همان، ۴۱۱/۶). این اقدام ابن شاهین با مرگ او بی نتیجه ماند.

به نوشته ابوعلی مسکویه «چون عمران بن شاهین درگذشت، عضدالدوله که از دشمنان بزرگ خود رهایی یافته بود، بختیار و ابوتغلب کشته شده بودند، شهرها و سپاهیان آنها از آن او شده بود و در مدینه السلام بیاسوده بود... او را خوش نیامد که در چنین هنگام نبطیان در زیر گوش او سرکشی کنند و فرماندارانی کوچک در پیرامونش که پناهگاهشان نیزارها و بیشه‌ها و مرداب‌ها است، دست درازی کنند و ایشان را ریشه‌کن نکنند». با آگاهی عضدالدوله از مرگ عمران وی فرصت را غنیمت شمرد و سپاهی را به فرماندهی وزیر خود، مطهر تجهیز کرد و آن را با مال و سلاح مجهز، روانه بطایح کرد. در این لشکرکشی مطهر شکست خورد (همان، ۸۴/۶-۸۲). این اولین و آخرین نبرد عضدالدوله با شاهینیان بود که برخلاف پیروزی بر سایر مخالفانش، با شکست همراه بود. البته سلسله شاهینیان نیز مدت زمانی کوتاه پس از مرگ عضدالدوله در اثر اختلافات داخلی و شورش سپاهیان از بین رفت.

بطایح

در منابع و نقشه‌های جغرافیایی بین‌النهرین و ایران تا اواسط سلسله ساسانیان سرزمینی به نام بطایح به چشم نمی‌خورد. قبل از فرمانروایی قباد اول (حک. ۵۳۱-۴۸۸م) نامی از این اراضی باتلاقی برده نمی‌شود. پس از آن به دلیل طغیان دجله و عدم توجه قدرت مرکزی و پادشاهان ایرانی به جریان‌های طغیانی آب، شکل‌گیری بطایح آغاز شد. به نظر می‌رسد پس از ورود اعراب مسلمان به ایران، به سبب گستردگی این اراضی باتلاقی، نام سرزمین بطایح در منابع جغرافیای اسلامی به کار رفته است. اعراب نیز به دلیل نبرد با ایرانیان، از طغیان رود دجله، شکافته شدن سدها و زیر آب رفتن بسیاری از اراضی غافل شدند و بطایح با شدت بیشتری گسترش یافت (قدامه بن جعفر، ۶۹-۶۸؛ بلاذری، ۱۶-۱۵).

به منظور کسب آگاهی فزون‌تر و جامع‌تر در رابطه با تأثیر جغرافیای بطایح در برقراری روابط خصمانه آل بویه و شاهینیان بطایح، لازم است تا موقعیت مکانی و پدیده‌های جغرافیایی آن سرزمین شناخته شود. زیرا این دو بُعد جغرافیایی مهم بطایح،

سبب شده بود تا این سرزمین از نظر سیاسی و اقتصادی به محل و موضع نزاع خصمانه خاندان بویه با شاهینیان تبدیل شود.

۱- موقعیت جغرافیایی بطایح

بطایح در جنوب عراق و بین دو شهر مهم واسط و بصره (یاقوت حموی، ۴۵۰/۱) و در کنار دجله واقع شده بود. به همین جهت در منابع اسلامی از بطایح، به عنوان بطایح واسط و گاهی نیز بطایح بصره یاد شده است (حدود العالم، ۱۸؛ یاقوت حموی، ۴۵۰/۱). بنا به نوشته نویسندگان *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، بطایح زیادی وجود دارد که شماری از آنها از مابقی مشهورترند؛ از جمله بطایح کوفه و بصره که با ساختمان‌ها، روستاهای فراوان و شهرهای کوچکی احاطه شده است (حدود العالم، ۱۸). تعدادی از روستاها و شهرهای کوچک بطایح عبارتند از صلیق^۱، جامده^۲، هُرار^۳، حدادیه^۴ و مانند اینها (مقدسی، محمد بن احمد، ۷۸/۱).

بنا به قول ابن رسته حدود جغرافیایی بطایح به جزیره العرب، مصب رود فرات، دشت میشان و رود دجله محدود می‌شد (ابن رسته، ۹۴؛ بکری، ۲۳۴/۱)؛ اما با توجه به تغییر وسعت بطایح در طول زمان، حدود جغرافیایی آن نیز بدون تردید تغییر یافته است. در نتیجه باید گفت که حدود بطایح تا دجله، مصب فرات، جنوب واسط، شمال بصره و به حوالی و مجاورت کوفه می‌رسید (عزالدین صادق و محمد مطر، ۶۰، ۶۲).

بطایح در اصل اراضی کشاورزی، روستاهای آباد و کشتزارهای بهم پیوسته‌ای بود (مقدسی، مطهر بن طاهر، ۶۰۲/۲) که با گذشت زمان به دلیل جریان‌های آب ناشی از طغیان دجله زیر آب رفتند. بنا به نوشته اصطخری این اراضی روزگاری خشک بود اما چون آب، گودال‌هایی یافت و در آن جمع شد (اصطخری، ۸۳) به تدریج به صورت باتلاق‌ها و مرداب‌ها درآمد. چنانکه مسعودی درباره بطیحه‌ها می‌نویسد که در گذشته

1. Saliq
2. Jameda
3. Horar
4. Hadadiya

این نواحی از همه نواحی سواد آبادتر بوده است و مردم آن از همه معتبرتر بوده اند (مسعودی، ۴۱).

۲- پدیده‌های جغرافیایی بطایح

از مهم‌ترین ویژگی‌ها و پدیده‌های جغرافیایی بطایح از یک سو وجود تنگه‌هایی پوشیده از باتلاق، نیزار و بیشه‌زار بود که در اثر طغیان آب ایجاد شده بود و از سویی دیگر هورهایی بود که تنگه‌ها را از هم مجزا می‌کرد. هور قسمت‌هایی از باتلاق بود که در آن نیزار و بیشه وجود نداشت (سهراب، ۲۱۲). بنا به نوشته نویسنده کتاب *عجایب الاقالیم السبعه الی نهاییه العماره*، آغاز بطایح تنگه‌ایست از نی‌های روئیده شده که بعد از آن هوری قرار گرفته است. بعد از هور اول تنگه‌ای از نیزار و بیشه وجود دارد که هور دوم به آن متصل است و بعد از آن باز تنگه‌ای وجود دارد. به همین ترتیب هور سوم واقع شده است که بعد از آن نیز تنگه‌ای از نی وجود دارد (همان، ۱۳-۲۱۲). این هورها به وسیله مجراهایی که در آن زورق‌ها و قایق‌ها عبور و مرور می‌کردند به همدیگر متصل می‌شدند ولی کشتی‌های بزرگ نمی‌توانستند از آن مجراها عبور کنند. ناچار محمولات آنان را در زورق می‌نهادند و زورق‌ها در مجراهایی هم که نیزار در آنجا روییده بود، می‌گذشتند (لسترنج، ۴۵).

جایگاه بطایح در روابط آل بویه و شاهینیان

در کشمکش و درگیری آل بویه و شاهینیان و تعاملات خصمانه آنان با هم، جغرافیای بطایح، به ویژه موقعیت جغرافیایی و پدیده‌های طبیعی آن، بیشترین نقش را ایفا می‌کردند. به عبارتی این دو بُعد مهم از جغرافیای بطایح برای سلاطین بویهی و حکومت مرکزی در بغداد پیامدهای سیاسی و اقتصادی‌ای به دنبال داشت که مسلماً به برقراری روابط خصمانه بین این دو قدرت منتهی شد. در ادامه به این پیامدهای ناشی از جغرافیای بطایح که روابط خصمانه آل بویه و شاهینیان را در پی داشت، اشاره می‌شود.

۱- پناهگاه مجرمان و شورشیان

بطایح از یک سو با پدیده‌های طبیعی چون بیشه‌ها، نی‌زارها و مرداب‌ها پوشیده بود (ابن‌رسته، ۹۴؛ حافظ ابرو، ۱/۱۳۳) و از سوی دیگر دارای تنگه‌ها و هورهایی بود که به‌عنوان مخفی‌گاه‌ها و کمین‌گاه‌ها از آنان استفاده می‌شد و جز بومیان و ساکنان محلی آنها را نمی‌شناختند (مسکویه، ۶/۱۶۹). با وجود این پدیده‌های جغرافیایی در بطایح، شرایطی مهیا شده بود که این سرزمین به یک منطقه جرم‌خیز، تسخیرناپذیر، صعب‌الوصول و دژی طبیعی برای مجرمان و شورشیان مبدل شود. شورشیان به آنجا می‌گریختند و آماده عصیان و شورش می‌شدند. همانطور که عمران بن شاهین، به عنوان یکی از مخالفین آل بویه و به سبب ترس از تعقیب دولت، به آنجا پناه برد و جماعتی از دزدان و راهزنان را گرد خود جمع کرد (همان، ۶/۱۵۷).

مشهورترین شهرهای بطایح، که بسیار مورد توجه شورشیان و فراریان قرار گرفت، صلیق بود. صلیق کرسی بطایح، در واقع برای کل مجرمان و شورشیان و فراریان پناهگاهی بود. هر وقت کسی از بغداد فرار می‌کرد و به آنجا پناه می‌برد، راهی برای غلبه بر او وجود نداشت (یاقوت حموی، ۳/۴۲۲؛ بغدادی، ۲/۸۵۰). جرجین^۱ نام مکانی دیگر در بطایح بود. مهم‌ترین ویژگی طبیعی جرجین این بود که از راهی دشوار برخوردار بود و ورود به آن با کمترین وزش باد پر خطر می‌شد (حموی، ۲/۱۲۴). این ویژگی باعث شد تا جرجین نیز برای مجرمان و شورشیان آشنا به این مناطق، مانند دژی طبیعی شود.

در دورانی که حکومت بغداد از انسجام و تمرکزگرایی به حالت ضعف و عدم تمرکز درآمده بود، برخی از مخالفین حکومت مرکزی بر بطایح مسلط شدند و بر فعالیت‌های خصمانه خود در برابر خلافت افزودند و اقدام به قیام‌هایی علیه بغداد کردند. زطها و بردگان زنگی، از مشهورترین جماعت‌های مخالف و شورشی علیه خلافت عباسی بودند که در دوران گسستگی دستگاه خلافت، در بطایح مستقر شدند و

1. Jorjino

با استفاده از امکاناتی که در اختیار داشتند، مشکلاتی را برای خلفاء بوجود آوردند. زطها اولین گروه شورشی و معترض به خلافت عباسی بودند که همراه با سیاهان زنگباری در سال ۲۱۹ هجری در بطایح شورش کردند و دستگاه خلافت را برای مدتی درگیر نبرد با خود کردند. زطها جزو سپاه ایرانیان و از جمله آن دسته از اهل سند بودند که در نبرد بین اعراب مسلمان و ایرانیان به اسارت درآمدند و در بصره سکنا داشتند (بلاذری، ۵۲۳). در روزگار خلافت معتصم (حک. ۲۲۷-۲۱۸)، زطها راه بصره و واسط را به تصرف درآوردند، در آنجا شورش کردند و به دزدی و راهزنی پرداختند (یعقوبی، ۴۹۶/۲). آنان در راه بصره تباهی کردند، غلات را از بطایح بیرون کردند و از خرمن‌ها به کسکر و دیگر جاهای مجاور آن، از ولایت بصره بردند و راه‌ها را ناامن کردند (طبری، ۵۸۰/۱۳). معتصم به کار زطها همت گماشت و دستور داد تا آب و رودها را با هزینه بسیار بر ایشان ببندند (بلاذری، ۵۲۴) زیرا قوم زط از طریق همان رودها سر درمی‌آوردند و دشمنان خود را غافلگیر می‌کردند (ابن‌اثیر، ۷۷/۱۷). این سخن به خوبی بیان‌گر نقش پدیده‌های طبیعی بطایح در قدرت‌گیری گروه‌های شورشی است. پس از زطها، بنا به گفته یاقوت در *معجم البلدان*، دومین گروه شورشی، گروهی از بومیان بودند که در آغاز حکومت آل‌بویه بر آنجا چیره شده بودند. آنها در مرداب‌ها با زورق‌ها^۱ سنگربندی کرده از دستور دولت سرپیچی کردند و مرداب‌ها را به صورت دژ درآوردند (یاقوت حموی، ۴۵۱/۱). منظور یاقوت گروه شورشی شاهینیان است که در آغاز دولت آل بویه قدرت گرفته بودند.

اما قبل از شاهینیان، از برجسته‌ترین شورشیان قرن سوم هجری، که در بطایح به قیام علیه خلافت عباسی پرداختند و خلافت را حدود ۱۵ سال به خود مشغول ساختند، قیام صاحب‌الزنج بود. صاحب‌الزنج با استفاده از ضعف و سستی خلافت، جماعتی از زنگیان ساکن بصره را که شوره‌زارهای بصره را خشک می‌کردند (طبری، ۶۳۰/۱۴)، با نوید رهایی آنان از محنت و شفقت ساماندهی کرد و به قیام علیه خلافت دست زد.

۱. به کشتی‌های بسیار کوچک زورق گفته می‌شود.

قیام بردگان و زنگیان در سال ۲۵۵ هجری در بصره آغاز شد (همان‌جا) و تا سال ۲۷۰ هجری ادامه یافت. زنگیان با پناه گرفتن در مکان‌های دست نیافتنی چون باتلاق‌ها و نیزارهای موجود در بطایح و دشت میشان توانستند بر بخش وسیعی در حد فاصل اهواز و واسط مسلط شوند. در واقع انتخاب شیوه کمین در بطایح، قدرت برتر سیاست جنگی صاحب الزنج و سپاهیان‌ش در برابر نیروهای خلافت بود (طقوش، ۲۰۳).

مجرمان و فراریان از دژهای طبیعی بطایح برای مقابله با دولت استفاده می‌کردند. چنانکه عمران بن شاهین نیز با پناه بردن به باتلاق‌ها، نیزارها و بیشه‌های واقع در حد فاصل واسط و بصره، موفق به تأسیس سلسله‌ای شد که حتی عضدالدوله به‌رغم قدرت و سلطه‌ای که بر سراسر قلمرو اسلامی داشت، در غلبه بر بطایح با شکست مواجه شد. عمران بن شاهین و یارانش که افرادی بومی و کارآزموده بودند با تکیه بر پدیده‌های طبیعی بطایح، از آنان بسیار استفاده کردند و به این ترتیب سال‌های متمادی سلاطین بویهی را به درگیری و زدوخورد با خود مشغول ساختند. نبردهایی که در اغلب اوقات نتیجه‌ای برای آل بویه در بر نداشت. شاهینیان در همه جنگ‌ها و درگیری‌ها، با معطل نگه داشتن سپاهیان آل بویه، در تلاش بودند تا دارایی آنان را تباه سازند و مردان جنگی را خسته کنند (مسکویه، ۳۵۸/۶). شاهینیان منتظر می‌ماندند تا دولت بویه هزینه‌هایی را صرف ساخت سیل‌بندها کند و زمانی که آمدن سیلاب‌ها آغاز می‌شد به ویرانگری آنها می‌پرداختند. زیرا شاهینیان به خوبی با جغرافیا و پدیده‌های طبیعی بطایح آشنایی داشتند.

ابن مسکویه در این باره می‌نویسد: «عمران بن شاهین چهل سال تحت پیگرد دولت‌های بغداد بود، دام‌ها برایش نهادند، برای جنگ با او هزینه‌ها کردند، او جبارانی را بیچاره کرد، طومار زندگی فرمانروایانی را که کین او دلشان را، و بغض او گلوشان را می‌فشرد، یکی پس از دیگری در هم پیچید و پیش از خود به گورستان فرستاد و خود در دژ طبیعی مرداب‌ها از دسترس نیروها به دور و از هر گونه ترفند برکنار و استوار بماند، ولی همین که مرگ سراغ او آمد نه راه پس داشت و نه پیش» (همان، ۴۶۹/۶).

۲- اختلال در مسیر تجاری

بطایح به جهت موقعیت جغرافیایی خود و واقع شدن در بین بصره و واسط، در برقراری ارتباط بین شهرهای جنوبی عراق یعنی بصره، واسط و بغداد نقش مهمی داشت. در صورت حضور قدرتی محلی و مستقل چون شاهینیان در بطایح از یک سو برقراری ارتباط شهرهای جنوبی عراق و مهم‌تر از همه، بغداد و بصره و همچنین بغداد و خوزستان دچار مشکل می‌شد و از سویی دیگر مسیرهای تجاری بین خوزستان و بصره با بغداد دچار خلل و آشفتگی می‌شد. چنانچه بنا به قول ابن‌اثیر پس از شورش شاهینیان در بطایح، یکسره راه بصره قطع شد و مردم بغداد ناگزیر از طریق صحرا به بصره می‌رفتند (ابن‌اثیر، ۲۰۸/۲۰).

شاهینیان به حدی در مسیر شهرها آشفتگی و خلل ایجاد کردند که در عهد معزالدوله، راه بصره و بغداد و مسیر تجاری آن بسته شد. به جز سواره نظام، کس دیگری نمی‌توانست از آن مسیر رفت و آمد کند (مسکویه، ۱۶۹/۶). شاهینیان نه تنها، کاروان‌های تجاری بازرگانان را غارت می‌کردند بلکه بر کاروان‌های خراجی که از شهرهای جنوبی ایران و بصره به سمت بغداد فرستاده می‌شدند، نیز هجوم می‌بردند. چنانکه در سال ۳۴۴ هجری، عمران بن شاهین بر مالی از خراج، که از اهواز برای معزالدوله به بغداد حمل می‌شد، و همراه آن مالی فراوان از بازرگانان و گروهی بسیار از تجار بود، دست‌درازی کرد (مسکویه، ۲۰۳/۶؛ ابن‌اثیر، ۲۲۹/۲۰). به نوشته ابوعلی مسکویه هر گاه پرده‌داران، سرداران و امیران دیلم و ترک از آنجا می‌گذشتند، شاهینیان از آنان باج و حق راهداری و دیدبانی می‌خواستند که اگر نمی‌پرداختند، ناسزا شنیده و کتک می‌خوردند. این در حالی بود که سپاهیان دیلمی برای انجام معاملات بصره و اهواز و سایر شهرهای جنوبی عراق، از راه‌های ایشان و روستاهایشان بی‌نیاز نبودند (مسکویه، ۱۶۹/۶؛ ابن‌اثیر، ۲۰۸/۲۰).

ایجاد خلل در برقراری ارتباط شهرهای جنوبی عراق و بازرگانی آنان، در دوره‌های قبل از شاهینیان و آل بویه، در عصر خلافت مأمون عباسی (حک. ۲۱۸-۱۹۸) نیز اتفاق افتاده بود. اوج شورش زطها در دوره خلافت معتصم عباسی بود اما در دوره‌ای از

خلافت مأمون نیز به جهت شورش زطها در باتلاقها و مردابهای بین بصره و واسط، مردمان از عبور در ناحیه بطایح که در دست زطها بود، اجتناب می‌کردند و حمل کالا از بصره به بغداد قطع شد (بلاذری، ۵۲۴).

۳- اهمیت اقتصادی

بطایح و شهرهای آن از جمله صلیق از آب فراوان برخوردار بودند (مقدسی، محمد بن احمد، ۱۶۴/۱). فراوانی آب سبب شده بود که از لحاظ منابع مالی طبیعی، بطایح سرزمینی پوشیده از ماهی و پرندگان گوناگون باشد (ابن‌رسته، ۹۴). چنانکه عمران بن شاهین، بنیانگذار شاهینیان، به سبب ماهیگیری و صادرات ماهی به سراسر عراق، نیرو گرفت و توانست استقلال خود را از بویهیان حفظ کند (مسکویه، ۱۵۷/۶).

در بطایح خاک و اراضی بسیار حاصلخیز و غنی نیز وجود داشت؛ به‌ویژه زمانی که اراضی بعد از طغیان‌های آب خشک می‌شدند (لسترنج، ۴۵). به‌علاوه اینکه اراضی که در بلندی واقع بود به سبب دور بودن از طغیان دجله و دارا بودن آب کافی، مکان مناسبی برای کشاورزی و زراعت بودند. از این‌رو در این سرزمین مزارع، اراضی کشت غله، برنج و نیشکر و درختان میوه و خرما فراوان وجود داشت (بکری، ۲۳۴/۱).

با توجه با محصولات کشاورزی و دریایی بطایح، امرای بویهی می‌دانستند که حفظ بطایح به عنوان تیول و وابستگی آنان به حکومت مرکزی، از دو جهت می‌تواند برای آنان سودآور باشد. یکی از آن جهت که بطایح مهم‌ترین منابع درآمدی خراج برای دستگاه خلافت و سلطنت بود. خراج اراضی کشاورزی کسکر و نواحی آن، حدود ۷۰ هزار هزار درهم بود. در آن ناحیه از برنج سی هزار گُر و از جو و گندم بیست هزار گُر^۱ خراج گرفته می‌شد (ابن‌خردادبه، ۱۲). دیگر آنکه بطایح می‌توانست بخشی از آذوقه و خواروبار مردم عراق را تأمین کند. به‌طور کلی می‌توان گفت بطایح به عنوان خزانه اهل بصره (ابن‌رسته، ۹۴) شامل دریاچه‌ها، کشتزارها و شکارگاه‌هایی می‌شد که برای عراق سود فراوان داشت (مقدسی، محمد بن احمد، ۱۶۴-۶۵/۱).

۱. گُر به معنای پیمانه و یک واحد وزن است.

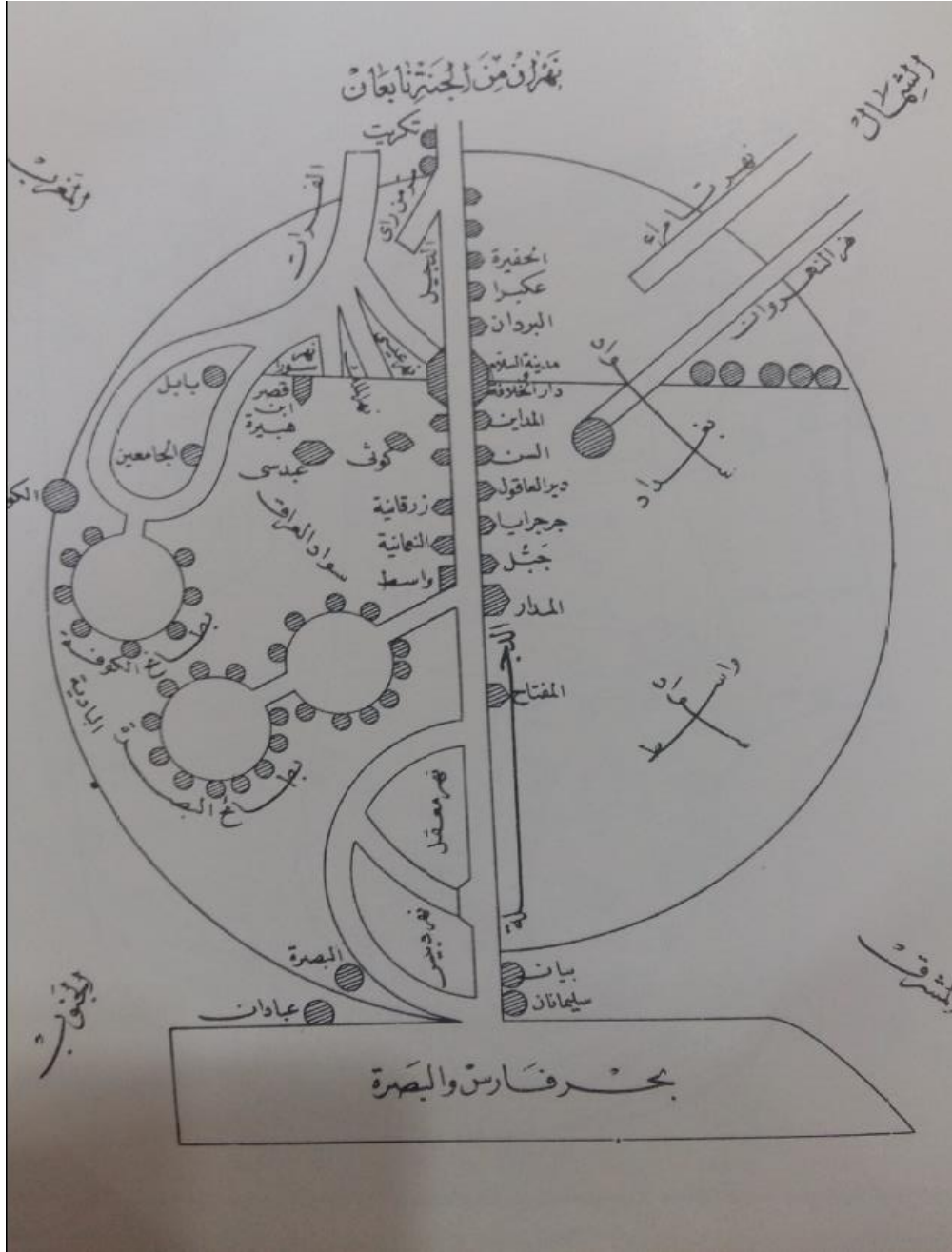
به علاوه اینکه جغرافیای اقتصادی غنی بطایح و ثروت فراوان آنجا در برخی اوقات به ویژه در عهد عزالدوله که با مشکلات مالی فراوان روبرو شده بود منجر به حمله به بطایح می شد. به نوشته ابوعلی مسکویه ابوالفضل وزیر عزالدوله بختیار که با مشکلات مالی مواجه بود به بررسی کسر بودجه پرداخت و هرچه زیور کرد جز گرفتن دارایی ابن شاهین راهی نیافت. پس عزالدوله را به حمله به بطایح تشویق کرد (مسکویه، ۳۴۵/۶).

نتیجه

دو بُعد مهم جغرافیای بطایح یعنی موقعیت جغرافیایی و پدیده‌های طبیعی، در ایجاد روابط خصمانه خاندان بویه با شاهینیان بطایح نقش مهمی داشت. در واقع این دو بُعد مهم جغرافیایی سبب شد تا بطایح از لحاظ سیاسی و اقتصادی برای سلاطین بویه از اهمیت بسیاری برخوردار باشد. از یکسو پدیده‌های جغرافیای چون باتلاق‌ها، مرداب‌ها، بیشه‌ها و نزارها، سبب شد تا بطایح به پایگاه و دژ طبیعی شورشیان و معترضین به حکومت مرکزی تبدیل شود. از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی بطایح و نقش موصلاتی که در شهرهای جنوبی عراق داشت سبب شد تا در برقراری ارتباط بین این شهرها و بازرگانی آنان خلل ایجاد شود. به علاوه با توجه به پیوستن بطایح به دجله و فراوانی آب، این سرزمین از اقتصاد غنی و ثروت بسیار برخوردار بود و از این رو می توانست در تأمین مطالبات اقتصادی سلاطین بویه و حل و فصل مشکلات و بحران‌های مالی آنان تأثیر بسزایی داشته باشد. با توجه به اهمیت سیاسی و اقتصادی بطایح، خاندان بویه در عراق در برقراری روابط خود با شاهینیان سیاستی خصمانه در پیش گرفتند. از این رو معزالدوله به محض آگاهی از اعلام استقلال شاهینیان، به بطایح حمله کرد. عزالدوله بختیار و عضالدوله نیز همین سیاست خصمانه را نسبت به شاهینیان ادامه دادند.



نقشه بحر فارس و بصره (اصطخری، ۵۷)



منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، موسسه مطبوعات علمی، ۱۳۷۱.
- ابن خردادبه، عبیدالله، مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاگرد، تهران، موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث، بی تا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، بی جا، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النقیسه، بیروت، دار الصادر، ۱۸۹۱م.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، المسالک و الممالک، قاهره، الهیئه العامه لقصور الثقافه، بی تا.
- بغدادی، صفی الدین عبدالمومن، مراد الاطلاع فی اسماء الامکنه و البقاع، بیروت، لبنان، دار الجیل، ۱۴۱۲م.
- بکری، ابوعبید، المسالک و الممالک، بی جا، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۲م.
- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره، ۱۳۳۷.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله، جغرافیای حافظ ابرو، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۵.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۲.
- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، لبنان، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹.
- سهراب، عجایب الاقالیم السبعه الی نهایه العماره، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، بی تا.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵.
- طقوش، محمد سهیل، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، با اضافاتی از رسول جعفریان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- طهماسبی، ساسان، «شاهینیان بطایح»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۴.
- عزالدین صادق، عبدالکریم و منال محمد مطر، «دراسه عن جغرافیه و سکان منطقه البطحه جنوب العراق»، مجله التراث العلمی العربی، ۲۰۱۵ م، العدد الثانی.

- قدامه بن جعفر، الخراج و صناعه الكتابه، بغداد، دارالرشيد للنشر، ۱۹۸۱م.
- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- مسکویه، ابوعلی، تجارب الامم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، توس، ۱۳۷۶.
- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۳.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، ۱۳۷۴.
- یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، دار الصادر، ۱۹۹۵م.
- یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.